به نام خدا



دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلیتکنیک تهران)

درس تحلیل شبکههای پیچیده استاد حقیرچهرقانی

تمرین دوم

علیرضا مازوچی ۴۰۰۱۳۱۰۷۵

الف) ابتدا باید برای هر گره یک BFS تولید کرد و سپس امتیاز وابستگی dependency (score) گره به تمام یالهای باقیمانده در BFS را محاسبه کرد. طبیعتا گره ریشه در BFS دارای وابستگی صفر به یالهای غایب در درخت خواهد بود.

در قسمتهای بعد محاسبات مربوط به هر BFS به ترتیب برای تمام گرهها آورده شده است:

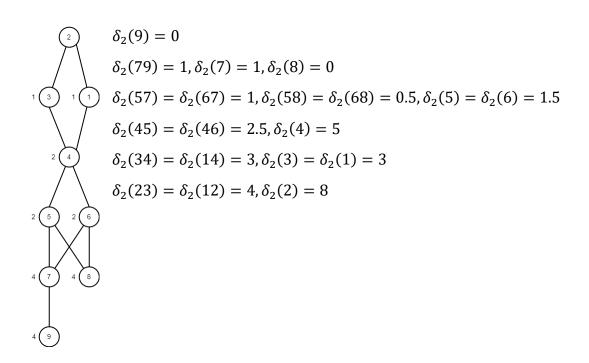
$$\delta_{1}(9) = 0$$

$$\delta_{1}(79) = 1, \delta_{1}(7) = 1, \delta_{1}(8) = 0$$

$$\delta_{1}(57) = \delta_{1}(67) = 1, \delta_{1}(58) = \delta_{1}(68) = 0.5, \delta_{1}(5) = \delta_{1}(6) = 1.5$$

$$\delta_{1}(45) = \delta_{1}(46) = 2.5, \delta_{1}(4) = 5, \delta_{1}(3) = \delta_{1}(2) = 0$$

$$\delta_{1}(14) = 6, \delta_{1}(13) = 1, \delta_{1}(12) = 1, \delta_{1}(1) = 8$$



$$\delta_3(9) = 0$$

$$\delta_3(79) = 1, \delta_3(7) = 1, \delta_3(8) = 0$$

$$\delta_3(57) = \delta_3(67) = 1, \delta_3(58) = \delta_3(68) = 0.5, \delta_3(5) = \delta_3(6) = 1.5$$

$$\delta_3(45) = \delta_3(46) = 2.5, \delta_3(4) = 5, \delta_3(2) = \delta_3(1) = 0$$

$$\delta_3(34) = 6, \delta_3(23) = \delta_3(13) = 1, \delta_3(3) = 8$$

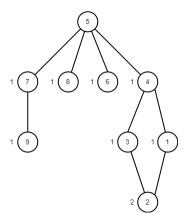
$$\delta_4(9) = 0$$

$$\delta_4(79) = 1, \delta_4(7) = 1, \delta_4(8) = \delta_4(2) = 0$$

$$\delta_4(57) = \delta_4(67) = 1, \delta_4(58) = \delta_4(68) = 0.5, \delta_4(5) = \delta_4(6) = 1.5$$

$$\delta_4(23) = \delta_4(12) = 0.5$$
, $\delta_4(1) = \delta_4(3) = 0.5$

$$\delta_4(45) = \delta_4(46) = 2.5, \delta_4(34) = \delta_4(14) = 1.5, \delta_4(4) = 8$$



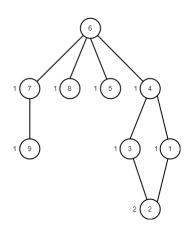
$$\delta_5(2) = 0$$

$$\delta_5(23) = \delta_5(12) = 0.5, \delta_5(1) = \delta_5(3) = 0.5, \delta_5(9) = 0$$

$$\delta_5(79) = 1, \delta_5(34) = \delta_5(14) = 1.5, \delta_5(7) = 1, \delta_5(4) = 3, \delta_5(6)$$

= $\delta_5(8) = 0$

$$\delta_5(57) = 2, \delta_5(56) = \delta_5(58) = 1, \delta_5(45) = 4, \delta_5(5) = 8$$



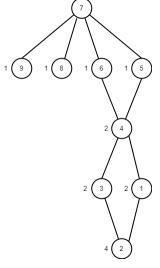
$$\delta_6(2) = 0$$

$$\delta_6(23) = \delta_6(12) = 0.5, \delta_6(1) = \delta_6(3) = 0.5, \delta_6(9) = 0$$

$$\delta_6(79) = 1, \delta_6(34) = \delta_6(14) = 1.5, \delta_6(7) = 1, \delta_6(4) = 3, \delta_6(5)$$

= $\delta_6(8) = 0$

$$\delta_6(67) = 2, \delta_6(56) = \delta_6(68) = 1, \delta_6(46) = 4, \delta_6(6) = 8$$



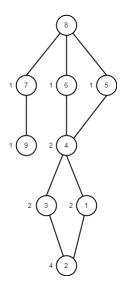
$$\delta_7(2) = 0$$

$$\delta_7(23) = \delta_7(12) = 0.5, \delta_7(1) = \delta_7(3) = 0.5$$

$$\delta_7(34) = \delta_7(14) = 1.5, \delta_7(4) = 3$$

$$\delta_7(46) = \delta_7(45) = 2, \delta_7(5) = \delta_7(6) = 2, \delta_7(8) = \delta_7(9) = 0$$

$$\delta_7(79) = \delta_7(78) = 1, \delta_7(67) = \delta_7(57) = 3, \delta_7(7) = 8$$



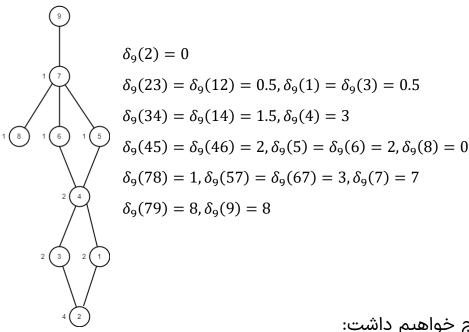
$$\delta_8(2) = 0$$

$$\delta_8(23) = \delta_8(12) = 0.5, \delta_8(1) = \delta_8(3) = 0.5$$

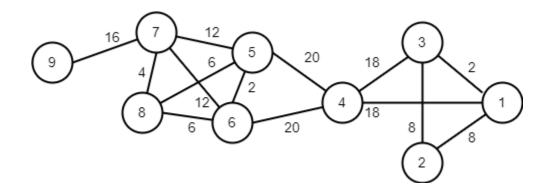
$$\delta_8(34) = \delta_8(14) = 1.5, \delta_8(4) = 3, \delta_8(9) = 0$$

$$\delta_8(46) = \delta_8(45) = 2, \delta_8(5) = \delta_8(6) = 2, \delta_8(79) = 1, \delta_8(7) = 1$$

$$\delta_8(78) = 2, \delta_8(58) = \delta_8(68) = 3, \delta_8(8) = 8$$

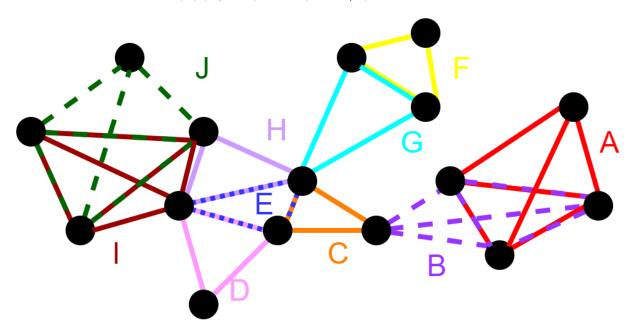


با تجميع نتايج خواهيم داشت:



حال اگر به عنوان مثال حد آستانه را ۲۰ در نظر بگیریم، یک اجتماع با گرههای ۱ تا ۴ و یک اجتمال با گرههای ۵ تا ۹ خواهیم داشت. قطعا پس از این تقسیم مقدار میانگی (betweenness) تمام گرهها بیشتر نمیشود. پس فرآیند سلسله مراتبی همینجا میتواند پایان بیابد.

ب) ابتدا باید cliqueهای ماکسیمال را پیدا کرد که در تصویر زیر نشان داده شده است:



سپس تعداد گره مشترک بین هر دو clique را در جدول زیر وارد میکنیم:

J	I	Н	G	F	Ε	D	С	В	Α	
0	0	0	0	0	0	0	0	٣	۴	Α
0	0	0	0	0	0	0	١	۴	٣	В
0	0	١	١	0	۲	١	٣	١	0	С
0	١	١	0	0	۲	٣	١	0	0	D
0	١	۲	١	0	٣	۲	۲	0	0	Ε
0	0	0	۲	٣	0	0	0	0	0	F
0	0	١	٣	۲	١	0	١	0	0	G
١	۲	٣	١	0	۲	1	١	0	0	Η
٣	۴	۲	0	0	١	١	0	0	0	I
۴	٣	١	0	0	0	0	0	0	0	J

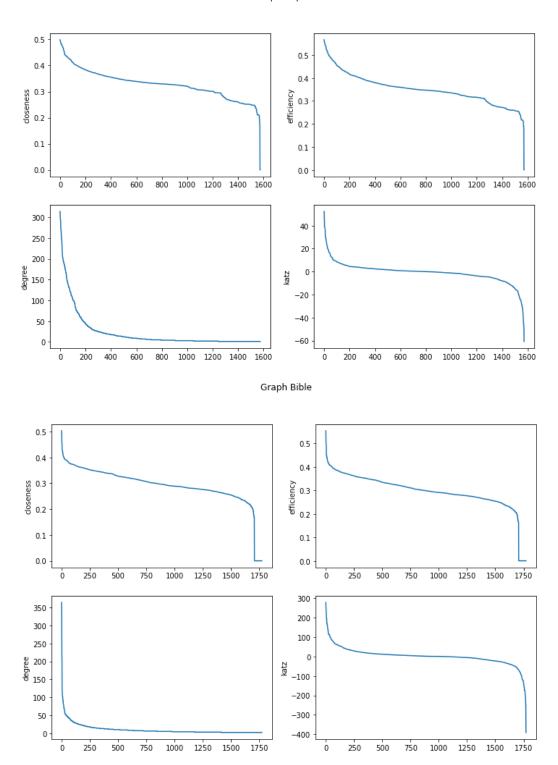
در گام بعد باید مقدار k را مشخص کنیم و متناسب با آن درایههای بیشتر مساوی -k 1 را برابر با ۱ و مابقی را برابر با صفر قرار دهیم. چون مقدار k در صورت سوال مشخص نشده است به صورت شهودی آن را برابر با ۳ در نظر میگیریم و داریم:

J	ı	Н	G	F	Ε	D	С	В	Α	
)		_)	ו	, ,	
0	0	0	0	0	0	0	0	١	١	Α
0	0	0	0	0	0	0	0	١	١	В
0	0	0	0	0	١	0	١	0	0	С
0	0	0	0	0	١	١	0	0	0	D
0	0	١	0	0	١	١	١	0	0	Ε
0	0	0	١	١	0	0	0	0	0	F
0	0	0	١	١	0	0	0	0	0	G
0	١	١	0	0	١	0	0	0	0	Н
١	١	١	0	0	0	0	0	0	0	I
١	١	0	0	0	0	0	0	0	0	J

متناسب با این ماتریس A و B در یک اجتماع (Community)، F و G در یک اجتماع و مابقی در یک اجتماع دیگر قرار دارند.

ب) به ترتیب برای دو گراف Airport و Bible داریم:

Graph Airport



ج) میتوان نکات زیر را از نمودارها متوجه شد:

- شاخص مرکزیت Degree با سه شاخص دیگر تفاوت بسیار زیادی دارد ولی سه
 تای دیگر رفتار کلی مشابهی داشتهاند.
- در سه شاخص Closeness، Closeness و Katz میبینیم که تعداد بسیار کمی از گرهها مرکزیت بسیار بالایی دارند و به وضوح از مابقی جدا شدهاند و در حین حال تعداد هم بسیار مرکزیت پایینی دارند ولی اکثریت قریب به اتفاق مقداری نزدیک به هم داشتهاند.
- در شاخص مرکزیت Degree گرهها با درجه مرکزیت پایین که متفاوت از عموم
 گرهها باشد دیده نمیشود.
- در معیار Katz مقدار صفر برای اکثر گرهها بدست آمده است که میتواند یک حدآستانه مشخص باشد و اعداد منفی هم دیده میشود ولی چنین چیزی در سایر شاخصها دیده نمیشود.

د) نتایج گراف Bible در جدول زیر آورده شده است.

Katz		Degree		Efficiency		Closeness		
امتياز	نام	امتياز	نام	امتياز	نام	امتياز	نام	ردیف
277	benjamin	364	israel	0.553	Israel	0.503	israel	1
255	elam	254	judah	0.511	Judah	0.471	judah	۲
219	shem	221	david	0.495	David	0.458	jerusalem	٣
213	shemaiah	202	jerusalem	0.492	jerusalem	0.456	david	۴
202	uz	122	egypt	0.454	Egypt	0.429	egypt	۵
198	aram	110	benjamin	0.450	ephraim	0.428	ephraim	۶
194	arphaxad	108	manasseh	0.449	benjamin	0.425	manasseh	٧
193	meshech	104	ephraim	0.449	manasseh	0.425	benjamin	Λ
180	lud	103	saul	0.441	moses	0.420	joseph	٩
169	gether	100	philistines	0.441	joseph	0.420	moses	10

نتایج گراف Airport در جدول زیر آورده شده است.

Katz		Degree		Efficiency		Closeness		
امتياز	نام	امتياز	نام	امتياز	نام	امتياز	نام	ردیف
52	LAS	314	ATL	0.566	ATL	0.498	ATL	1
47	SBN	299	IAD	0.559	LAX	0.495	LAX	۲
40	ECP	296	ORD	0.557	IAD	0.495	MSP	٣
39	ROA	292	LAX	0.554	MSP	0.490	DEN	۴
38	BWI	291	JFK	0.552	JFK	0.490	IAD	۵
38	DTW	274	DEN	0.552	ORD	0.486	JFK	۶
38	CRW	273	EWR	0.552	DEN	0.485	MCO	٧
36	IND	269	MSP	0.546	EWR	0.484	ORD	Λ
35	SJU	267	IAH	0.544	IAH	0.482	EWR	٩
32	TOL	261	MIA	0.539	MCO	0.481	IAH	10

توضیحات مربوط به فرودگاههای موجود در جدول قبل در این جدول ذکر شده است:

توضيحات	کد
Atlanta, GA: Hartsfield-Jackson Atlanta International	ATL
Baltimore, MD: Baltimore/Washington International Thurgood Marshall	BWI
Charleston/Dunbar, WV: Yeager	CRW
Denver, CO: Denver International	DEN
Detroit, MI: Detroit Metro Wayne County	DTW
Panama City, FL: Northwest Florida Beaches International	ECP
Newark, NJ: Newark Liberty International	EWR
Washington, DC: Washington Dulles International	IAD
Houston, TX: George Bush Intercontinental/Houston	IAH
Indianapolis, IN: Indianapolis International	IND
New York, NY: John F. Kennedy International	JFK
Las Vegas, NV: McCarran International	LAS
Los Angeles, CA: Los Angeles International	LAX
Orlando, FL: Orlando International	MCO
Miami, FL: Miami International	MIA
Minneapolis, MN: Minneapolis-St Paul International	MSP

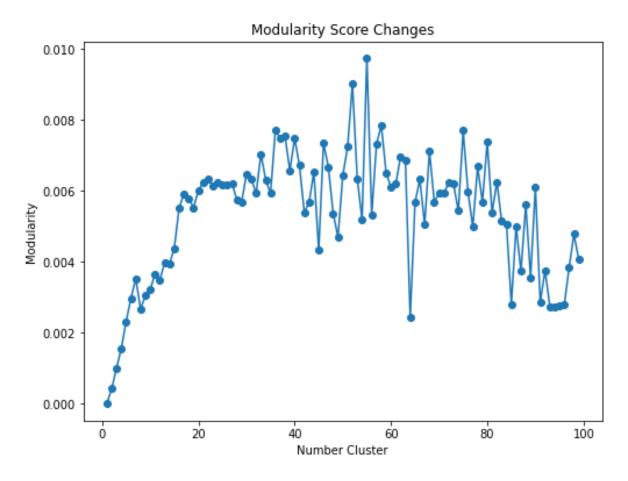
Chicago, IL: Chicago O'Hare International	ORD
Roanoke, VA: Roanoke Blacksburg Regional Woodrum Field	ROA
South Bend, IN: South Bend International	SBN
San Juan, PR: Luis Munoz Marin International	SJU
Toledo, OH: Toledo Express	TOL

ه) آنچه از نتایج قسمت قبل بر میآید شباهت بسیار بالای ده گره برتر در سه روش Efficiency ،Closeness و Degree و تفاوت آن با روش Katz است. به طوری که به عنوان مثال برای مجموعه داده Bible دو معیار اول لیست کاملا یکسان با ترتیب کمی متفاوت از هم دارند. پس به صورت شهودی می توان گفت یا سه معیار اول بهتر بوده است یا معیار که اسامی گراف Bible به نظر می رسد که اسامی یافت شده در سه معیار اول معروف تر و احتمالا کلیدی تر باشد. بنابراین به نظرم سه معیار اول مناسب هستند و بین آنها من تفاوت خاصی را نمی توانم در نظر بگیرم.

در مورد گراف Airport هم نتایج سه معیار اول و هم معیار در سه معیار فرودگاههای آمریکا است. برای مقایسه فرودگاه برتر ATL به عنوان فرودگاه برتر در سه معیار اول را با فرودگاه کرد. با جستجو در اول را با فرودگاه کرد. با جستجو در این در جستجوی دیگر اینترنت متوجه شدم که فرودگاه از ATL از LAS بزرگتر است. همچنین در جستجوی دیگر بزرگترین و شلوغترین فرودگاهها را پیدا کردم که در این لیست دقیقا اسامی سه معیار اول دیده میشد. به بیان دقیقتر سه فرودگاه برتر عبارت بود از: LAX ،ATL و ORD که توسط سه معیار اول پیشنهاد شده است. پس برای این مجموعهداده هم سه معیار اول را نسبت به معیار Katz میاسبتر میدانم.

برای این سوال گراف Bible و الگوریتم Kmeans به عنوان الگوریتم خوشهبند را در نظر گرفتم.

ج) برای تعیین تعداد خوشه مناسب میتوان مقدار Modularity را در هر گام بررسی کرد. به ازای تعداد خوشه که این مقدار بیشینه شود، بهترین افراز را خواهیم داشت. در تصویر زیر نتایج مربوط به این آزمایش آورده شده است که برای تعداد خوشه ۵۵ بهترین عدد حاصل شده است.



د) احتمالا منظور طراح سوال از Min-cut همان Cut بوده است؛ چراکه Min-cut معیاری برای تعیین کیفیت خوشهبندی نیست ولی Cut هست. لذا برای این قسمت Cut را محاسبه خواهم کرد. برای ۵۵ خوشه امتیاز Modularity برابر با ۹۷ ه۰۰۰ و برای Cut برابر با ۵۲۹۱ بدست آمده است.

برای پیادهسازی این سوال از یک رویکرد بازگشتی استفاده کردم. به این شکل که هر بار با کمک روش Modularity Optimization یک گراف را به دو زیر گراف تقسیم میکنم. سپس باید بررسی کرد که آیا Modularity حاصل از Modularity پیشین بیشتر بوده است یا خیر. قطعا اگر کل گراف در یک جامعه باشد، مقدار Modularity برابر با صفر است و لذا تقسیم گراف به دو قسمت اگر Modularity را مثبت کند کافی است که این تقسیم انجام گیرد.

در گام بعد برای هر جز به صورت مستقل و بازگشتی تقسیم را میتوان انجام داد چراکه مقدار ازدیاد یا کاهش (و نه خالص) Modularity در هر بخش مستقل از بخش دیگر است. لذا در هر بخش اگر گراف اصلی را منحصر به آن بدانیم، باز مقدار اولیه نسبی Modularity برابر با صفر است و اگر تقسیم آن به دو بخش آن را بهبود دهد، قطعا در گراف اصلی و کامل هم همین تاثیر مثبت را خواهد داشت.

مطابق نتایج عملی پس از تقسیم گراف به دو زیربخش شامل ۳۵۴۸ و ۳۵۶۷ گره امکان تقسیمهای بیشتر برای گراف فراهم نبوده است و پس از آن Modularity دچار مشکل میشد. پس همین دو اجتماع را داریم. قاعدتا نمیتوان نام شش هزار گره را در گزارش ذکر کرد ولی لیست آنها در فایل پیادهسازی هست.